

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

قطعهنامه ششمین کنگره نهضت آزادی ایران

مندرجات

مقدمه

الف) مواضع

۱- ملت و انقلاب اسلامی

۲- آزادی

۳- حقوق ملت و امنیت قضایی

۴- مدیریت و نظم

الف) تعداد مراکز تصمیم‌گیری

ب) روحانیت و مدیریت

۵- جنگ و صلح

۶- انتخابات

۷- اصلاح جامعه و مبارزه با بحران اخلاقی

۸- آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها:

الف) آموزش و پرورش

ب) دانشگاه‌ها

۹- اقتصاد ملی

۱۰- سیاست خارجی

ب) خط‌مشی:

۱- ادامه رسالت تاریخی

۲- وفاداری به نظام جمهوری اسلامی و رابطه با دولت و نهادها

۳- آینده‌نگری و آینده‌سازی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

وعدا لله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ولیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم انما یعبدوننی لایشرکون بی شیئا و من کفر بعد نلک فاولئک هم الفاسقون.^۱

دعا و درخواست ششمین کنگره نهضت آزادی ایران از درگاه احدیت، بعد از ستایش و سپاس او، تحقق وعده سه‌گانه فوق (استخلاف، تمکن، امنیت) برای ملت انقلاب کرده شریف ایران بوده و توفیق ما در تحرک و تعالی خودمان و هموطنان و خلق جهان به سوی خدا، از طریق بندگی خالصانه او و طرد هرگونه شرک و کفر و فسق می‌باشد. ما می‌خواهیم پس از پیروزی انقلاب و سرنگونی استبداد سلطنتی و اعلام نظام جمهوری اسلامی، ملت ایران جانشین واقعی نظام گذشته گردیده و امکان اجرا و تمتع از آئین و نظامی را داشته باشد که خدا رضا داده و برایش جهاد و جانفشانی‌ها کرده است و هرچه زودتر و کاملتر دوران ترس و تخاصم سپری گردیده در سایه امنیت و عبادت به سلامت و سعادت که مطلوب و موعود است برسد.



ششمین کنگره نهضت که طی نه جلسه از تاریخ ۱۷ تا ۲۶/۱۲/۶۲ با مشارکت ارگان‌ها و منتخبین حوزه‌ها منعقد گردیده است، در ایام و احوالی برگزار می‌شود که کشور عزیزمان درگیر با یکی از شدیدترین ابتلاها و آزمایش‌های تاریخ چندین هزار ساله خود و شش ساله انقلاب پیروزمندش می‌باشد. درحالیکه سیاست، دنیا را متوجه به ایران و از جهاتی تحت‌تأثیر خود گرفته است، از یک طرف شاهد عظمت و ارزش ایمان و ایثار و شهادت بوده، افتخار و ابراز امید به چنین تحول درونی نفس‌های ملت و سرمایه‌های معنوی و به آینده انقلاب می‌نمائیم، از طرف دیگر نگران آینده جنگ و فرجام نامعلوم آن و گسترش خرابی‌ها و خسارات مادی و معنوی، که به صورت مسابقه‌ای برای هر دو ملت مسلمان ایران و عراق درآمده است، می‌باشد و همچنین نگران تبعات شوم جنگ، چون آوارگی و بیماری‌های اجتماعی و اقتصادی حاصل از آن می‌باشیم، و بیم آن داریم که در این هنگامه، استقلال اقتصادی و سیاسی کشور نیز با خطرهای جدی روبرو گردد.

در روابط و جریان‌های داخلی نیز، ملت و نظام جمهوری اسلامی مواجه با سرنوشت‌سازترین حوادث و وظائف بعد از پیروزی انقلاب یعنی انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی می‌باشد. از خدای عزیز حکیم می‌خواهیم که از هر دو صحنه با پیروزی حق بر باطل و رستگاری دنیا و آخرت بیرون بیائیم. رجاء واثق می‌ورزیم که با اطاعت از کتاب خدا و تبعیت از سنت رسول اکرم و ائمه اطهار، ملت و دولت ما

1. سوره نور/۵۵ خداوند کسانی از شما را که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند وعده داد که البته ایشان را در زمین جانشین کند، همچنان که کسانی را که پیش از آنها بودند جانشین کرد و البته دینشان را که برای آنها پسندیده برقرار سازد (مانعی نتواند آن را زائل کند) و ترسشان را نیز به آرامش بدل کند. مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک نمی‌گیرند و کسانی که پس از این کافر شدند پس آنان فاسقاند.

جانب عدل و عقل و علم رحمت را پیش گرفته مورد خطاب آیه مبارکه «کذلک جعلناکم امه وسطا» باشیم و انقلابمان با اتخاذ خطمشی صحیح بتواند «شهداء علی الناس» بر سراسر دنیا گردد.

به لحاظ خود نهضت و فعالیت حزبی نیز سال پرتلاطم و بحرانی را پشت سر گذارده خوشوقتیم که علیرغم جوسازی‌ها، تهمت‌ها و تحدید آزادی‌های قانونی با مقاومت در برابر تهدید و تجاوزها، به شکر خدا حضورمان در صحنه سیاست و حیات و فعالیتیمان برقرار بوده خطمشی «صبر جمیل و تلاش وسیع» مصوب کنگره سال قبل را ادامه داده‌ایم، سعی کرده‌ایم با توجه به محدودیت‌هایی که بر ما اعمال می‌شود با ارسال نامه‌های خصوصی و سرگشاده، انتشار اعلامیه‌ها و نظریه‌ها، تألیف و طرح کتاب‌ها و مباحث و همچنین مکاتبه و ملاقات‌های با مسئولین، نقش شاهد و واسط معهود را ایفا کرده هموطنان و دست‌اندرکاران را دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر بنمائیم. اگرچه بازده مطلوب چندان نداشته‌ایم، ولی همین پایداری و پیگیری‌ها بی‌حاصل نبوده، به‌طوری که اینک در میان متصدیان ظاهراً علائمی از درک بیشتر به واقعیات و ضرورت تمکین به قانون مشاهده می‌گردد. ارزش‌ها و مسائلی مانند تخصص، علم، آزادی، حاکمیت ملی، سازندگی و تولید، مدیریت و نظم و امثال آنها که زمانی از طرف برخی از مسئولین به‌عنوان نمونه‌های ضدارزش محسوب می‌شد و مطرود بود رفته رفته به زبان و قلم آنها آمده گهگاه مورد دفاع یا تجلیل قرار می‌گیرند. نارضائی و اعتراضات عمومی را نیز که انکار می‌نمودند اکنون تا حدودی پذیرفته و ابراز نگرانی می‌کنند.



کنگره ششم نهضت آزادی ایران با درود مجدد به شهیدان و جانبازان، اسرا و مفقودین جبهه‌ها و شهرها، آوارگان و آسیب‌دیدگان و به مسئولین خدمتگزار با حسن نیت، با خدا و با خلق تجدید ایمان و امید و پیمان نموده ضمن تایید خطمشی و مواضع گذشته نظریات جدید و تکمیلی خود را به شرح زیر اعلام می‌دارد:

الف) مواضع

۱) ملت و انقلاب اسلامی ایران

کنگره ششم نهضت آزادی ایران با اعتقاد و استناد همیشگی خود به آیه شریفه «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»^۱، با تایید مراتب مندرج در قطعنامه کنگره پنجم در زمینه وحدت ایران و تعلق کشور به تمام افراد ملت و با تاکید بر اینکه مشارکت علاقمندان و آگاهانه اکثریت قریب باتفاق مردم باعث پیروزی انقلاب و تصویب نظام جمهوری اسلامی گردیده است، بر این نکته تکیه می‌نماید که شرط لازم برای مدیریت صحیح و تداوم و تحول طبیعی هر انقلاب، در جهت اهداف مطلوب و مصوب، حفظ تمامیت و وحدت اولیه تمام اقشار مردم بوده، چنانچه با تبلیغات و شعارهای تحریک‌کننده، تفوق و تحمیل افکار یک گروه یا دیدگاه خاص صورت گیرد انحراف و اجبار و فساد رخ می‌دهد و انقلاب مشروع مردمی و روح عدالت و شهادت تبدیل به استعلاء و استبداد و انحصار خواهد گشت و از تفرقه و تنازع، ضعف و شکست نتیجه می‌شود. انحصار دادن انقلاب و نظام برخاسته از آن به یک قشر یا طبقه خاص، علاوه بر اینکه قلب

^۱ رعد ۱۳/۱۲- به درستی که خداوند وضع قومی را دگرگون نمی‌نماید مگر آنکه در نفوس خودشان تغییر به وجود آورند.

واقعیات و تحریف تاریخ محسوب می‌شود کمک به سیاست «تفرقه‌انداز و حکومت کن» می‌نماید که خواسته و اسباب کار استیلاگران بیگانه است. لازمه اعتبار و مشروعیت یک نظام اسلامی و مردمی از وجود اتحاد و همکاری مردم بوده و به رهبران و مدیران و خدمتگزاران نظام مقبولیت می‌بخشد.

ما ضمن محکوم کردن سیاست‌های حيله‌گرانه و شیطانی ابرقدرت‌ها علیه مردم محروم کشورهای جهان سوم، معتقدیم اگر اصرار ورزیم که همه‌جا و همه‌وقت توطئه ابرقدرت‌های بیگانه در امور کشورمان حاضر و آمر بوده تقصیر و تاثیر افراد و عوامل خودی را نادیده گرفته و درصدد تجزیه و تحلیل قضایا و تجدید نظر در افکار و اصلاح اعمال و افراد خودمان برنیائیم پیوسته در جهل و فساد و مشکلات باقی خواهیم ماند. ضمناً تفکر فوق که نشانه‌ای از خودباختگی و بیگانه‌پرستی است، مطلوب‌ترین وسیله را در اختیار بیگانگان استیلاگر و دخالت‌گر قرار داده و از متصدیان و ملت سلب مسئولیت و شخصیت می‌نماید. موضوع دیگری که در این زمینه حائز اهمیت می‌باشد پدیده آوارگی عده‌ای از ایرانیان در کشورهای خارج پس از انقلاب است. نهضت آزادی ایران ضمن اذعان به وجود عده‌ای مخالف مخرب و ضدانقلاب در میان این گروه، اکثریت آنان را قابل جذب و خدمت به کشور و در زمره سرمایه‌های انسانی مورد نیاز جمهوری اسلامی ایران می‌داند. غالب این گروه به زادگاه خود علاقمند هستند و بدین دلیل هرگز نتوانسته‌اند به اقامت در کشورهای بیگانه و تابعیت غیرایرانی خوشدل باشند، اگر این گروه اطمینان پیدا کنند که حقوق مصرحه ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی در مورد آنان تحقق پیدا نموده و در زندگی عادی خود امنیت خواهند داشت، بی‌شک به خانه و کاشانه خود باز خواهند گشت.

رهبر انقلاب در پیام اخیر خویش (۲۲ بهمن) در این زمینه بیان داشتند:

«از هموطنانی که خارج کشور هستند و می‌توانند برای کشور خود خدمت و به ملت مظلوم خود کمک کنند چه اطبای محترم و چه متخصصان در رشته‌های مختلف و چه دیگران تقاضا دارم که قدری به حال ملتی که در طول تاریخ گرفتار رنج و زحمت بوده‌اند و زیر بار ظلم ستمگران کمرشان خمیده شده است بیندیشند...»

بنابراین شما هم بیایید و به میهن خود خدمت کنید و دین خود را به کشور خود ادا کنید. اگر به اسلام معتقد هستید ببینید مظاهر اسلام امروز چیست و در رژیم پهلوی چه بود. اگر ملی هستید ببینید که امروز ایران در جهان به‌عنوان تنها کشوری که در مقابل امریکا و شوروی ایستاده است دارای چه قدرتی است...

البته روی سخن با اشخاص شریفی است که وجدان انسانی خود را از دست نداده‌اند. «کیهان یکشنبه ۶۲/۱۱/۲۳، شماره ۱۲۰۸۷»

از طرف دیگر بازگشت این گروه جراحاتی را که در اثر فرار مغزها و از دست دادن تخصص‌ها و تجربه‌ها بر پیکر جامعه وارد شده است التیام خواهد بخشید و به ناله‌ها و شکایاتی که موجب بدنام ساختن اسلام و انقلاب ایران شده است، پایان خواهد داد.

نهضت آزادی اصرار دارد که ملت و دولت به مسئله ایرانیان آواره توجه کنند و شرایط بازگشت این فرزندان سرگردان را به دامن اسلام و وطن فراهم سازند.

۲) آزادی

تکرار این توضیح خالی از فایده نیست که غرض از آزادی و آزادی‌خواهی اخذ جواز بی‌بند و باری و

تمرد از امر خدا و قانون یا تجاوز به حقوق اجتماع نمی‌باشد. منظور رهائی انسان‌ها از اسارت انسان‌ها یا استبدادهای زور و تزویر و از استیلا بیگانگان، در زمینه‌های عقیدتی سیاسی و اقتصادی و از حاکمیت جهل و اوهام می‌باشد.

آزادی در یک جامعه اسلامی لازمه هدایت طبیعی مردم به انتخاب راه حق و تغییر نفس‌ها و در نتیجه رشد و تعالی جامعه است و امانتی است الهی، نه عطیه دولتمردان، و تحقق آن در حکم بازگرداندن امانت الهی حکومت مردم بدست خود مردم می‌باشد که باید تشخیص‌دهنده و تصمیم‌گیرنده در امور مربوطه و گزیننده مأمورین و مصالح جامعه باشند. تخلف از این امر، از جانب دولت‌ها، ریشه اصلی بحران سیاسی و نهایتاً انفجار می‌گردد.

در آیه شریفه «ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماً یعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً» دو دستور از مقام ربوبیت صادر شده است. یکی دستور عام ادای امانات به صاحبان آنها و دیگری دستور خاص حکومت که باید بر مبنای عدالت باشد. به این ترتیب برای اداره جوامع انگشت روی عدالت و امانت گذارده شده است، عدم رعایت این دو دستور ظلم بوده و حدیث نبوی صراحت دارد که: «الملك یتقی مع الکفر و لا یتقی مع الظلم».

سبک شمردن یا مضر دانستن آزادی در جوامع، به بهانه عدم رشد مردم و خطر هرج و مرج و اعمال شیوه‌های غلاظ و شداد و «ارشاد» قیم مآبانه و تبدیل جامعه باز به جامعه بسته، برای مقابله با دسائس بیگانگان و اغوای فریبکاران و اخلاط‌گران، از دستاویزهای همیشگی مستبدها، مستکبرها یا صاحبان زور و تزویر بوده است. در حالیکه التزام مکاتب مبتنی بر حق و حقیقت و حکومت‌های اجراکننده عدالت، بینا و آگاه ساختن مردم با نور و هدایت است. چنین مکاتب و نظام‌ها از رویارویی با افکار و آرا مختلف و مخالف، ثبات و استحکام پیدا می‌کنند و از آن استقبال می‌نمایند.

خواست نهضت آزادی ایران در رابطه با آزادی تأمین تمامی حقوق مصرحه ملت در قانون اساسی برای عموم مردم اعم از موافق و مخالف می‌باشد.

۳) حقوق ملت و امنیت قضائی

کنگره ششم بحران سیاسی کنونی را یکی از اساسی‌ترین مسائل کشور می‌داند و همانطور که در قطعنامه کنگره پنجم آمده است آن را ناشی از نادیده گرفتن موارد مهمی از حقوق مصرحه ملت می‌داند. از جمله آنچه در اصول ۸-۹-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۷-۳۲-۳۵-۳۷-۳۹ و ۱۶۸ قانون اساسی آمده است. بی‌اعتنایی به این اصول در سال گذشته ادامه داشته است. با وجود علائم بهبود و نظم و سرعت رسیدگی که در بعضی از بخش‌های قوه قضائیه مشاهده می‌گردد. عملکرد این قوه خصوصاً وضع دادگاه‌های انقلاب همچنان ناهنجار و تأسف‌آور می‌باشد. کثرت زندانیان و عدم رسیدگی به اتهامات آنان از عوامل عمده نارضایتی بوده، موجب خدشه‌دار کردن انقلاب شده است.

نهضت آزادی ایران وضع دادگاه‌های انقلاب و افزایش بی‌سابقه زندان‌ها و زندانیان و بی‌رحمی و بی‌اعتنایی به قوانین را که برخلاف سنت پیامبر اکرم در برخورد با مخالفین می‌باشد، شدیداً محکوم می‌نماید.

نهضت آزادی همچنین معتقد است که با افزایش زندان‌ها مشکلات و معضلات جامعه را نمی‌توان حل کرد، بلکه این امر موجب تشدید پیچیدگی‌های سیاسی - اجتماعی می‌گردد.

خوشبختانه بعضی از بزرگان و مسئولان انقلاب و معدودی از دولت‌مردان نیز از این خودسری‌ها و بی‌رحمی‌ها به تنگ آمده صدای اعتراضشان به گوش می‌رسد که امر انتخاب قضات و حکومت، با اهمیت و عظمتی که ادیان الهی و سنت نبوی برای آن قائل بوده‌اند به وضع نامطلوبی درآمده است. نهضت آرزومند است که این توجهات موجبات اصلاح وضع موجود را فراهم آورد.

کنگره خواستار اجرای قانون احزاب بوده و بی‌اعتنایی مسئولین وزارت کشور را، که موجب تقویت روندهای انحصارگرانه کنونی شده است، غیرقانونی می‌داند.

نهضت آزادی خواستار رسیدگی هرچه سریع‌تر به وضعیت زندانیان، بر طبق موازین قضا در اسلام و آزادی بیگناهان بوده و همچنین از قوه قضائیه می‌خواهد با قاطعیت جلوی تخلفات مسئولین را بگیرد.

۴) مدیریت و نظم

از آفاتی که پس از پیروزی انقلاب به این نهال نورس حمله برده اجازه نداده در محیطی سالم به رشد خود ادامه دهد بی‌نظمی و فقدان یا سوءمدیریت از یک طرف و تعدد مراکز تصمیم‌گیری از طرف دیگر بود. حاکمیت تئوری «نظم در بی‌نظمی» و انکار نقش تعیین‌کننده مدیریت لطمه بزرگی به رشد و تعالی جامعه ما زد. به حدی که دولت موقت در برابر این آفت تحمل نیاورده، پس از قریب نه ماه تلاش به رهبر انقلاب نوشت که چون «به ثمر رساندن انقلاب بدون وحدت کلمه و وحدت مدیریت میسر نمی‌باشد بدینوسیله استعفای خود را تقدیم می‌دارد». با توجه به اهمیت مدیریت و نظم در اجتماع، کنگره نظر خود را در دو بخش مجزای زیر بیان می‌داد:

الف) تعدد مراکز تصمیم‌گیری: با گذشت پنج سال از پیروزی انقلاب و کسب تجربیات، زیان‌های بی‌نظمی و تعدد مراکز تصمیم‌گیری و آمریت‌های غیرقانونی خوشبختانه به تدریج برای دولتمردان آشکار گردیده و ضرورت مقررات منطقی و مدیریت و سلسله مراتب تخصص و آمار و برنامه‌ریزی، در زبان و قلم بعضی از متولیان و مسئولین جاری می‌گردد. همچنین مسئولین و نمایندگان از دخالت انجمن‌ها و شوراهای خودرو و خودسر شکوه می‌نمایند که بعضی از دفاتر و دوائر سیاسی - ایدئولوژی یا انجمن‌های اسلامی ادارات در وظایف و مسئولیت‌هایی، که خارج از اختیارات آنها است، دخالت کرده و به عزل و نصب‌های غیرقانونی می‌پردازند. نهضت معتقد است که اینگونه دخالت‌ها و سوءاستفاده‌ها باید به‌طور قاطع و قانونی متوقف گشته و ضایعات و زیان‌های وارده جبران شود.

ب) روحانیت و مدیریت: نهضت آزادی ایران اعتقاد دارد که برای حسن انجام کارها لازم است تصدی امور در رشته‌های مختلف در دست عالمان رشته‌های مربوطه قرار داده شود و در تبیین مسائل و امور اجتماعی از حضور علمای دین در کنار علمای گوناگون اجتماعی چون جامعه‌شناسی و اقتصاد و روانشناسی و غیره استفاده گردد. زیرا همانطور که صدور فتاوی گوناگون در احکام شرعی فردی نیاز به کسب اطلاعات از متخصصین علوم مربوطه دارد، تصمیم‌گیری پیرامون امور اجتماعی به طریق اولی به حضور سایر متخصصین مربوطه نیازمند می‌باشد. توجه به دو نکته مهم این نیاز را به خوبی روشن

می‌سازد، نخست آنکه علوم اجتماعی اگر نه بیشتر، حداقل به اندازه علوم دقیقه پیچیدگی داشته و قلمرو آن (یعنی انسان «عالم اکبر») فوق‌العاده گسترده است و بنابراین همفکری دانشمندان مختلف را لازم داد و دیگر آنکه اعمال این علوم با سرنوشت میلیون‌ها انسان بستگی داشته و خطا و اشتباه در آن موجب هلاک حرث و نسل می‌گردد.

نهضت معتقد است توجه صرف به متخصصین علوم انسانی نادیده گرفتن تخصص عالمان امور دینی منتهی به تباهی اجتماعی شده با روح و اندیشه و انقلاب اسلامی در تضاد خواهد افتاد. بنابراین صحیح‌ترین راه، رعایت تبادل نظر متخصصین در تبیین و حل مسائل اجتماعی است. به عنوان مثال در مسائل اقتصادی دو زمینه متفاوت «علم اقتصاد» و «مکتب اقتصادی»، یا به اصطلاح مرحوم آیه‌الله سیدمحمدباقر صدر «مذهب اقتصادی»، وجود دارد که در زمینه اول صرفاً متخصصین باید تصدی امور را در دست گیرند و در زمینه دوم علمای دین باید در کنار علمای جامعه‌شناسی، اقتصاد و روانشناسی در تبیین شرکت جویند.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که در این صورت نیز باید ضوابط و مدارج روحانیت توسط مراجع ذی‌صلاح و قابل قبول (مراجع تقلید و دانشمندان مسلم علوم اسلامی) دقیقاً تعریف گشته و ارجاع مسئولیت‌ها و مناصب مختلف در زمینه تخصص‌های مربوطه به این گروه بر مبنای میزان تحصیلات و مدارج علمی و عدالت آنان انجام پذیرد. به عبارت دیگر نهضت آزادی ایران با آنکه به عالمانی که در تعلم و تفقه در دین تخصص داشته و به دلیل تقوی و آزادگی و تعهد پناهگاه مردم در برابر ظلم و استبداد بوده‌اند احترام می‌گذارد ولی عالم دینی را در کسوت ویژه‌ای منحصر نمی‌داند بلکه علم و تقوا را معیار فضیلت شمرده و به روحانیانی احترام می‌گذارد که از این دو خصوصیت برخوردار باشد.

اشتغال روحانیونی که فاقد صلاحیت علمی و دینی و تقوایی می‌باشند در مشاغل که نیاز به تجربه و دانش و تقوی دارد پیامدهای زیانباری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشته، آینده جمهوری اسلامی و اعتبار علماء دینی و حتی اسلام را به خطر می‌اندازد و این درست فرمایش مولای متقیان را تداعی می‌کند که:

«لاملی والله باصدار ما ورد علیه و لا هو اهل لما فوض الیه - به خدا سوگند به پاسخ دادن پرسشی که از

او می‌شود با مایه و توانا نیست و لیاقت آن چیزی را که به او تفویض شده ندارد.»

«لا یحسب العلم فی شیء مما انکره و لا یری ان من وراء ما بلغ مذهباً لغيره - چیزی را که او انکار کرده گمان

نمی‌برد دیگری بر آن علم دارد و باور نمی‌کند برخلاف آنچه گفته دیگری را دانش است.»

و بالاخره نهضت آزادی ایران علاقمند است که انقلاب و جمهوری اسلامی ما از تجربه قرون وسطای مسیحیت یعنی انحراف کلیسا به قدرت و حکومت را که به طرد رهبران مذهبی، واپسگرایی مملکت و انصراف از خدا و دین گشته عبرت گرفته، آینده اسلام و ایران و ملتی فداکار و ایثارگر را به خطر نیاندازند.

۵) جنگ و صلح

کنگره ششم ضمن تایید مواضع مندرج در قطعنامه‌های قبلی نظریات نهضت آزادی ایران را به شرح

ذیل اعلام می‌دارد:

۱- پایداریها، فداکاریها و جانبازیهای رزمندگان ایران در جبهه جنگ علیه ارتش متجاوز عراق و حمایت‌های مستمر و بی‌دریغ مردم پشت جبهه، به دیده تعظیم می‌نگرد و این روحیه ایثارگری را به عنوان دستاورد انقلاب می‌ستاید و برای آن ارج فراوان قائل بوده است و می‌باشد.

۲- جنایات سبعانه و جنون‌آمیز رژیم بعث عراق از جمله موشک‌اندازی و بمباران شهرها و سیاست‌های ضدانسانی پشتیبانان جنگ افروزش، و هم چنین به کار بردن سلاح‌های شیمیایی را شدیداً محکوم می‌نماید.

۳- با آنکه جنگ را در اصل ابتلای الهی و وسیله‌ای برای اصلاح و ارتقای ملت ایران می‌داند، نه گردانندگان و دست‌اندرکاران را غیرمسئول و غیرمقصر می‌شناسد و نه تشدید و استمرار جنگ را مطابق دستور و رضای خدا و به مصلحت انقلاب و ایران و اسلام می‌بیند.

۴- سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی هم چنان فاقد تحرک و ابتکار لازم در صحنه روابط بین‌المللی می‌باشد و نتوانسته است به موازات و هماهنگ با عملیات رزمی در صحنه جنگ عمل نموده و از موفقیت‌های کسب شده بهره‌برداری مناسب تبلیغاتی و دیپلماسی را بنماید، در حالی که بدون هماهنگی کارساز میان عملیات رزمی در صحنه جنگ و دیپلماسی در صحنه روابط بین‌المللی امکان بهره‌گیری از موفقیت‌های حاصله برای پایان بخشیدن هرچه سریعتر و شرافتمندانه‌تر جنگ ممکن نمی‌باشد.

۵- جز در امور ستادی و تصمیم و تفصیل‌های اجرایی جنگی، که افشا آنها مفسده‌انگیز می‌تواند باشد، خیر و مصلحت کشور در این است که جریان‌ات کلی و تصمیمات اساسی جنگ و صلح، بطور مستقیم با ملت و یا از طریق نمایندگان مردم در مجلس، عنوان گردد و مورد بحث قرار گیرد. کما آنکه سنت رسول اکرم(ص) و حضرت امیرعلی(ع) طرح مسئله جنگ با مردم و مشورت با آنان بوده است. امتناع مقامات مسئول از طرح مسئله جنگ در جلسه غیرعلنی مجلس عمل غیرقانونی و خلاف مصلحت عمومی کشور می‌باشد.

۶) انتخابات

کنگره ششم ابتکار و اقدامات دفتر سیاسی و هیئت اجرایی نهضت در اعلام اهمیت و دفاع برای آزادی انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی را تأیید می‌نماید. کنگره معتقد است که حراست از ایران و انقلاب و بقای نظام جمهوری و توفیق مملکت و ملت در نیل به اهداف ملی و اسلامی انقلاب و راهگشایی برای حل بحران سیاسی در گروی تأمین حاکمیت ملی از طریق تشکیل یک مجلس مردمی است که نمایندگان آن آزادانه و آگاهانه و با اتحاد و اجتماع افکار و طبقات ملت انتخاب شده باشند.

کنگره علاقمند است متولیان و دولتمردان و دست‌اندرکاران ما از تجربیات پنج ساله بعد از پیروزی و از تاریخ انقلابها و نظام‌های دنیا درس گرفته، به قانون اساسی و حاکمیت ملی و خون شهیدان راه آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی ایران احترام بگذارند و به حکم ازلی «ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها» اختیار مملکت و مردم را میراث انحصاری خود ندانسته و اگذار به نفوس ملت و به تشخیص و تصمیم خود آنها بنمایند. برای آنکه انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده احساس و اطمینان به آزادی و امنیت

بنمایند تا در محیط و شرایط عادلانه قانونی خالی از تحمیل و تبعیض و تهمت و ارباب در اجتماعات و تبلیغات و ارتباطات سالم به شناسایی و گزینش نامزدهای با صلاحیت مطلوب بپردازند و داوطلبانه در انتخابات شرکت نمایند می‌بایستی مقدمات و شرایط لازم آن را مدتی قبل از برگزاری مراسم فراهم آورده و حقوق ملت را که در قانون اساسی تصریح شده است تأمین نمایند.

۷) اصلاح جامعه و مبارزه با بحران اخلاقی

با توجه به فرمایش پیامبر اکرم(ص) «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» یکی از ویژگیهای اصلی انقلاب اسلامی ایران قیام علیه استبداد و به تبع آن انواع مختلف فساد اخلاقی در طیف وسیع فردی و اجتماعی و در ابعاد مختلف اقتصادی و سیاسی و فرهنگی آن بوده هدف اساسی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل دوم قانون اساسی توجه به کرامت و مقام انسان و در مقایسه با سایر حکومتها، انطباق و تبعیت دقیق از ضوابط و معیارهای اخلاقی بود.

در دوران انقلاب و پس از پیروزی آن نهضت و تحولی اساسی به لحاظ روابط اخلاقی در سطح جامعه ظاهر گردید و فضای جامعه آکنده از روح امید، وحدت و محبت و خدمت و ایثار گردید و گروههای مختلف جامعه نسبت به رعایت موازین اخلاقی و بازگشت از عادات و زندگی خلاف اخلاق گذشته، علاقمندی و آمادگی بسیار از خود نشان دادند. در چنین فضایی موارد فساد و اعمال و رفتارهای غیراخلاقی به حداقل خود میل کرده و موارد نادر آن به عنوان استثناء تلقی می‌گردید.

متأسفانه در سالهای بعد، علیرغم روح ایثار و گذشت و شهادت که نمونه‌های بارز رشد اخلاقی می‌باشد، فرصت طلبی، ریا و تزویر، فساد اقتصادی، خشونت، اعتیاد به موادمخدر، بیماریهای روانی و عصبی از هر طرف افزایش یافته است و ادامه چنین روندی مسلماً جامعه ما را با بحران اخلاقی شدیدی مواجه خواهد نمود که آن را از درون ضعیف و تهی خواهد ساخت و نهایتاً باعث از هم‌گسیختگی جامعه خواهد گردید.

نهضت آزادی ایران معتقد است پیدایش و رشد موارد مختلف فساد و انحرافات اخلاقی ناشی از مسائل بنیادی سیاسی و اقتصادی جامعه است که مهمترین آنها سلب شخصیت و حیثیت از انسانها و سرخوردگی و یاس و از دست دادن ایمان و امید می‌باشد. بجای مبارزه با عوارض و معلولها، باید علل و زمینه‌های ایجاد و رشد فساد را از میان برداشت. برای مبارزه موثر با علل زمینه‌های ایجاد فساد و جلوگیری از انحطاط اخلاقی و برای کمک به رشد و تعالی جامعه احترام و رعایت کامل اصل قرآنی «لاکراه فی الدین» و آزادیهای مصرح در قانون اساسی و حل مسائل اقتصادی و تأمین اشتغال مفید و مولد برای مردم، مخصوصاً جوانان لازم و حیاتی می‌باشد.

۸) آموزش و پرورش و دانشگاهها

کنگره ضمن تأیید آنچه درباره توسعه کمی و کیفی تعلیمات و تحقیقات و راجع به انتخابات صحیح معلمان معتقد و ذیصلاح در قطعنامه قبلی گفته شده بود، بطور کلی معتقد است پس از پیروزی انقلاب توجه شایسته و کافی نسبت به مسئله عمومی فرهنگ کشور به عمل نیامده است. وزارت آموزش و پرورش و

وزارت فرهنگ و آموزش عالی تا حدود زیادی دستخوش مبارزات سیاسی متضاد گردیده و در هر دو جا انحرافها و اشتباهات عمده‌ای به وقوع پیوسته است که بدون اصلاح و رفع آنها تأمین خواسته‌های انقلاب و نیازهای جمهوری اسلامی ایران از نظر فرهنگ و آموزش میسر نخواهد بود.

الف - آموزش و پرورش

۱- تعیین سیاستها و خط‌مشی و نظام آموزش و پرورش مطلوب کشور و هدفهای مقاطع مختلف آموزش و پرورش باید بیش از این به تعویق نیفتد و لذا ضرورت دارد کلیه این موضوعات هرچه زودتر تنظیم و تدوین و منتشر گردد.

۲- تحریف موارد مهمی از وقایع تاریخی کشور در کتابهای درسی که ناشی از اغراض سیاسی خاص می‌باشد باید جای خود را به گزارش صحیح و منصفانه وقایع بدهد.

۳- با توجه به اُفت کیفیت مباحث علمی و ادبی و فنی در بعضی از کتابهای درسی باید نسبت به رعایت بیشتر اصول روانشناسی و پداگوژیک و تناسب فکری و محلی و مقطعی دانش‌آموزان در تدوین این کتب تأکید گردد.

۴- با آنکه از نظر علمی و اصول آموزش و پرورش، تربیت صحیح از طریق تعلیم صحیح بوسیله معلمان مجرب و با صلاحیت باید انجام گیرد و تعلیم جزء لاینفک تربیت می‌باشد، ولی آموزش و پرورش با تفکیک تصنعی امور به اصطلاح تربیتی و امور تعلیماتی و با ایجاد واحدهای مستقل و پرخرج موسوم به «امور تربیتی» باعث دلسردی بسیاری از معلمان زحمتکش شده است.

متأسفانه این واحدها علیرغم حسن نیت بسیاری از کارکنان آن قادر به ایفای نقش سالمی در آموزش و پرورش کشور نبوده و همچون پلیس یا کمیسر سیاسی، سانسور و محدودیت شدیدی را در بسیاری مدارس به وجود آورده، سلب شخصیت و امنیت و علاقه از معلم و شاگرد و دستگاه اداری نموده‌اند و با ارباب و اکراه و بدون رعایت ملاطفت و اصول منطقی می‌خواهند بجای تبلیغ صحیح دین، ایمان و اعتقاد و عمل به احکام را در دل و ذهن و رفتار دانش‌آموزان وارد کرده، تحمیل دین کنند، در حالی که تاثیر معکوس این روش نمایان است و جای تردید باقی نمی‌گذارد.

۵- هرچند طبق اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت موظف به تأمین امکانات آموزش بطور رایگان برای دانش‌آموزان کشور است، لیکن این امر با توجه به بند ۸ از اصل سوم قانون اساسی باید با مشارکت مردم در امور فرهنگی و آموزشی هماهنگ باشد و مانع مشارکت مادی و معنوی مردم در این امر نگردد. در غیر این صورت بخش عظیمی از تعلیمات عمومی که به وسیله مردم می‌تواند بطور صحیح اداره شود به عهده دولت قرار گرفته و میلیاردها تومان بر بودجه دولت و بیت‌المال تحمیل می‌گردد و علاوه بر آن به دلیل وسعت و پراکندگی و حجم زیاد فعالیتها، کیفیت آموزش عمومی اصلاح نگردیده و یا تنزل خواهد نمود.

اجرای سیاست عدم تمرکز در اداره امور کشور، مخصوصاً امور اجرایی آموزش و پرورش واجد امتیازات اصولی است، از جمله ساده ساختن امر اداره سازمانهای بزرگ و جلب مشارکت کارکنان و واگذار کردن کار مردم به مردم و در نتیجه فراهم ساختن شرایط رشد و حرکت مردم و جامعه.

تاکید بر تمرکز امور در دست دولت، منجمله اجرای طرح دولتی کردن مدارس ملی، طی چهار سال گذشته، بدون آنکه طرح موازی و مکمل جلب مشارکت مردم در ایجاد و اداره مدارس به مرحله اجرا گذاشته شود، عوارض و اشکالات فوق را به دنبال داشته است.

کنگره نهضت معتقد است مشارکت مردم معتقد و با ایمان در امر آموزش و پرورش کشور برای حل مسائل و مشکلات فوق لازم و موثر می‌باشد و لذا طرح پیشنهاد شده به شورای عالی آموزش و پرورش که پس از مطالعه و بررسی ممتد در سال ۱۳۶۲ تحت عنوان «آئین نامه مدرسی که با مشارکت مردم ایجاد و به طور غیرانتفاعی اداره می‌شوند» به تصویب رسید، باید به همت و همکاری مسئولان و مردم خیر و علاقمند، به مرحله اجرا گذاشته شود و تحریکات و افکار افراطی و چپگرا و ایجاد سوءتعبیر و جنجال، که معمولاً از طرف کسانی که مایل به تمرکز کلیه امور در دست دولت هستند، عنوان می‌شود، نباید مانع اجرای این مصوبه شورای عالی که از اساسی‌ترین راههای اصلاح آموزش و پرورش کشور است، گردد.

۶- عملکرد کمیته‌های پاکسازی و یا بازسازی نیروی انسانی موجب نارضایتی‌ها و شکایات کثیری گردیده است. مراجع مربوطه مخصوصاً دیوان عدالت اداری که فعالیت خود را در جهت صحیح بطور نسبتاً موثر آغاز کرده است، باید شکایات این گروه از معلمان را با سرعت و دقت و با نظر گذشت و تساهل و ایجاد روحیه امید و خدمت بیشتر در آینده مورد بررسی و اتخاذ تصمیم قرار دهند تا با جذب حداکثر نیروهایی که قابلیت خدمت و رشد و تعالی دارند، قدم در راه صحیح آموزش و پرورش کشور گذاشته شود.

۷- گزینش دانشجویان تربیت معلم بر اساس معیارهای اعتقادی - سیاسی خاص و آموزش شبانه‌روزی منتخبین تحت شرایط محدود و سختگیری‌های زیاد تحت عنوان آموزش ایدئولوژی، همچنین کنجکاو و تجسس در مورد عقاید و افکار دانشجویان و جمع‌آوری اطلاعات در این خصوص، همگی باعث پیدایش محیطی ناسالم و آزاردهنده برای دانشجویان تربیت معلم گردیده است. برای اصلاح این وضع، انتخاب دانشجویان باید بر اساس معیارهای اخلاقی و علمی مناسب برای شغل معلمی انجام گیرد و تربیت آنان باید در محیطی سالم و باز و با رعایت و احترام به آزادیهای مصرح در قانون اساسی انجام شود.

۸- با توجه به نیاز و اهمیت مهارت‌های علمی در جامعه و کمبودهای عمده‌ای که در این زمینه وجود دارد لازم است آموزش فنی و حرفه‌ای با همکاری سایر سازمانها و دستگاههای اجرایی کشور مانند وزارت کشاورزی، بهداشتی، نیرو و صنایع... مورد توجه جدی قرار گرفته و به صورت یک برنامه آموزشی مشترک، تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش، به مرحله اجرا گذاشته شود، تا شکایات عظیم کمبود نیروی انسانی ماهر کشور تقلیل یابد.

ب) دانشگاهها

در دانشگاهها، تحول و تغییری که پس از یک دوران طولانی تلاطم و تعطیل انجام یافته است متأسفانه تأمین کننده کامل نیازهای کشورمان نمی‌باشد. در این قسمت نظریات کنگره به قرار زیر می‌باشد:

۱- وجود مراکز متعدد تصمیم‌گیری و دخالت مقامهای غیرذیصلاح و ناوارد در مسائل دانشگاهی و در

تعلیمات عالیّه کشور و اعمال تنگ‌نظری‌ها و تندروی‌های بی‌مورد باعث دلسردی و سرخوردگی بسیاری از استادان شده و مانع عمده‌ای را در راه پیشرفت و اعتلای علمی کشور بوجود آورده است لذا نهضت آزادی ضمن محکوم نمودن مراتب فوق اعتقاد دارد مسئولین امر باید به دور از ملاحظات غیراصولی، سازمان و ضوابطی را که لازمه تربیت سرمایه انسانی جامعه و تربیت افراد توانا و صاحب صلاحیت باشد ایجاد و اجرا نمایند.

۲- همکاری و تاسی متقابل فیضیه و دانشگاه که اصولاً فکری صحیح می‌باشد، عملاً با روش ناموزون شروع به کار نموده است. نه در فیضیه، دانشگاهیان مجرب و متبحر شروع به تدریس علوم جدید نموده‌اند، و نه در دانشگاه مدرسین فاضل با پایگاه علمی و سابقه کافی به تعلیم پرداخته‌اند. برای واقعیت بخشیدن به این خواسته نقص متقابل فوق باید از میان برداشته شود، و رابطه علمی متعادل و مفید آنها بوجود آید.

۳- انجمن‌ها و کمیته‌های دانشجویی در کار تدریس و کم و کیف دروس دخالت نامعقول نموده در مواردی جواز تدریس استاد را عملاً صادر می‌کنند. بدین ترتیب احترام و ارتباط معنوی میان استاد و دانشجو متزلزل شده و بسیاری از استادان ذی صلاح نسبت به حرفه خود دلسرد و بی‌علاقه گردیده‌اند. استادان صاحب صلاحیت و پرتلاش باید مورد حمایت و تشویق مدیریت دانشگاهها قرار گیرند، تا به تدریج فرهنگ علمی بجای جوسازی و هو و جنجال استقرار یابد.

۴- کمیته‌های دانشجویی، در موارد بسیار در انتخاب دانشجویان جدید و یا ادامه تحصیل دانشجویان دخالت به ناحق نموده در خصوصی‌ترین مسائل فردی و اعتقادی تجسس می‌نمایند و به دلیل اعتقادات مختلف سیاسی و یا مذهبی از ورود به دانشگاه و با ادامه تحصیل آنان جلوگیری می‌کنند و از این جهت جو رعب و ریا و تظاهر اشاعه یافته، اعتماد و صمیمیت و همکاری و آزادی ابراز عقیده از میان دانشجویان دانشگاهها رخت بر بسته است. با تعیین ضوابط معقول و عادلانه در جهت مصالح علمی و اجتماعی و اجرای یکسان صحیح و دقیق آنها از طریق مسئولان دانشگاهها باید به اینگونه انحرافات پایان داد و جو بدبینی و عدم امنیت و صمیمیت را به فضای سالم و آکنده از اطمینان و امنیت و آزادی تبدیل نمود.

۵- نهضت آزادی ایران با وجود احترام و علاقه به مقام دانشجویی و مشارکت صحیح آنان در امور اداری و آموزشی، به خاطر علم پروری و دینداری، و تربیت علم، تظاهر به «دانشجومحوری» و دخالت نامعقول گروه خاصی از دانشجویان را به زیان مصالح علمی و فرهنگی جامعه دانسته آنرا محکوم می‌نماید و در همین ارتباط فرصت‌طلبی کسانی که بدون توشه علمی کافی مقام تعلیم و تدریس را در دانشگاه پذیرفته‌اند، مصلحت نمی‌داند.

۶- کشور ما امروز بیش از پیش به متخصصین و محققین دانشمند و مردان عمل در تمامی رشته‌های علوم و صنایع احتیاج مبرم دارد و آماده ساختن این نیروی زبده مستلزم ایمان به حق و احترام به علم و تعلیم در محیط آزاد است و بیان الهی در آیه ۱۱ سوره شریفه مجادله: «... یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات...» سند و سرمشق همین گفتار است.

۷- ارزش فداکاریهای جوانان مومن و رشید و ایثارگر در جبهه‌های جنگ که با جانبازیهای خود

حماسه‌ها آفریدند و در بسیاری موارد عضوی از بدن و یا سلامت خود را از دست داده‌اند و صف ناکردنی است. وظیفه دولت و ملت است که احتیاجات مالی و از جمله هزینه تحصیلی آنها را تأمین نمایند و رفاه زندگی آنان یا خانواده آنان را از هر جهت فراهم ساخته و توانایی ایشان را در انجام هر امر مقدور پرورش دهند و اگر استعداد علمی کافی و علاقمندی و آمادگی لازم را نیز داشته باشند، تأمین هزینه تحصیل آن را در دانشگاه‌های داخل و یا خارج در اولویت قرار دهند. اما در غیر این صورت و چنانچه در گزینش دانشجویان سهمیه و امتیاز ویژه‌ای برای وابستگان به نهادها، بدون توجه به سوابق تحصیلی و آمادگی‌های علمی قائل شوند (آنطور که انجام گرفته است) نظام علمی کشور دچار ضایعاتی خواهد شد که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

اولاً خود این فداکاران چنانچه مقدمات علمی لازم برای تحصیل در دانشگاه را نداشته باشند در این تحصیلات ناموفق خواهند بود و ناراحتیها و سرخورده‌گی‌هایی پیدا خواهند کرد. ثانیاً چون جا و محل افراد مستعدی را گرفته‌اند و این افراد از تحصیل دانشگاهی محروم می‌شوند ضایعاتی برای مملکت بوده زیان و ظمی را در اجتماع پدید می‌آورند. ثالثاً سیستم تعلیماتی دانشگاه چون با عده‌ای از دانشجویان با معلومات و استعداد‌های نامتناسب و ناموزون مواجه می‌شود نظم و پیشرفت لازم را پیدا نخواهد کرد و کیفیت آن تنزل خواهد نمود.

امیرمومنان علی(ع) نیز شیوه تقسیم غنائم بر طبق قدر و منزلت و خدمت افراد را که از خلیفه دوم معمول شده بود بعد از قبول خلافت ملغی نمود و مساوات همه آحاد جامعه را صرف‌نظر از درجات ایمانی و تمکین سیاسی حاکم ساخت.

به نظر ما تبعیضی که معمول می‌شود بیش از آنکه از عقل و منطق دین پیروی کرده باشد از عاطفه و احساس گروهی و انقلابی پیروی نموده است و نوعی عدالت مخصوص و محدود را جایگزین عدالت مطلق کرده است که ضایعات مذکور در فوق را موجب گردیده و می‌گردد. جلوگیری از ایجاد این ضایعات از وظایف دولت و ملت است.

۸- از آنجا که وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و آموزش عالی دو جزء اصلی از نظام تربیت نیروی انسانی کشور را تشکیل می‌دهند همکاری و هماهنگی مطلوب آنان در کلیه زمینه‌ها باید قانوناً از طریق شورا و ارگانهای مناسب انجام گیرد.

۹- و بالاخره، کنگره معتقد است برای رشد و پیشرفت علم و معرفت و تحقیق و به تبع آن غنای فرهنگ و توسعه صنعت کشور و به منظور پرورش افکار و استعدادها، احترام و رعایت آزادی و آزادمنشی و آزاداندیشی در دانشگاهها و حوزه‌ها و محافل علمی، از شرایط ضروری است و اعمال هر گونه سیاستی، که آزادیهای مشروح و قانونی (منجمله آزادی علمی و فکری) را چه بطور صریح و آشکار یا به طور ضمنی و غیرمستقیم محدود و یا سلب نماید، در بلندمدت باعث آثار منفی، عقب‌افتادگی‌ها و زیان‌ها و ضایعات وسیعی در کلیه امور امت مسلمان ایران خواهد گردید.

۹- اقتصاد ملی

کنگره ششم ضمن تایید مواضع اصولی اعلام شده در کنگره پنجم معتقد است بحران اقتصادی کشور

در سال گذشته شدت و گسترش یافته و ضایعات سنگین انسانی و مالی جنگ تحمیلی وابستگی اقتصادی و صنعتی و تسلیحاتی کشور به خارج را افزایش داده است.

تولیدات کشاورزی و صنعتی کاهش چشمگیری داشته و واردات سال ۶۲ حتی در زمینه کشاورزی از سال پیش بیشتر شده است. نسبت واردات به صادرات غیرنفتی که در سال اول پس از پیروزی انقلاب ۱۴ برابر بوده است، در سال ۶۲ به بیش از ۷۰ برابر رسیده که این خود می‌تواند شاخص هشداردهنده‌ای در زمینه انحطاط اقتصاد کشور باشد.

متأسفانه بالاتکلیفی و کشمکشی که در پیاده کردن اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد بازرگانی خارجی بوجود آمده موجب شده است که به جای نظارت دولت در امر واردات، دولت‌سالاری مراکز تهیه و توزیع خود وزارتخانه‌ای مقابل وزارت بازرگانی گردند و با بوروکراسی گسترده، از یک طرف مشاغل بیهوده و غیرتولیدی و دست و پاگیر ایجاد نموده و از طرف دیگر برای بسیاری از کالاها بازار سیاه بوجود آمده است. مسئله توزیع از مسائلی است که وضع اقتصادی کشور را وخیم‌تر ساخته از یک طرف گروهی دست‌اندرکار را به منافی سرشار که حتی در رژیم گذشته نیز امکان نداشته رسانیده قله‌هایی در زمینه درآمد و ثروت ایجاد نموده است و از طرف دیگر با سیاست غلطی که در مورد جیره‌بندی اعمال می‌شود شهروندانی را که در گذشته توجه و یا علاقه‌ای به مصرف کالاهای وارداتی نداشته‌اند، به خرید و مصرف و احیاناً فروش این کالاها عادت داده است. در نتیجه مصرف جامعه از سابق بیشتر شده است علاوه بر آنکه تولید کالا در خارج از مرزهای کشور صورت می‌گیرد واردکنندگان نیز نمی‌توانند در بازار رقابت خدمت قابل ملاحظه‌ای ارائه داده کالاها را به قیمت‌های بین‌المللی به مصرف‌کنندگان عرضه کنند.

قراردادهای اقتصادی بین‌المللی از سوئی با استفاده از اندیشه، دانش و تجربیات افرادی کاردان بسته نمی‌شود و از طرف دیگر در مواردی به تصویب و حتی به استحضار نمایندگان مجلس شورای اسلامی که طبق قانون اساسی باید آنان را قبول و یا رد نمایند، نمی‌رسد. نتیجتاً قراردادهای ننگ‌آور زیانباری همچون قرارداد با آمریکا معروف به «بیانیه الجزایر» همچون سرطانی مهلک به جان اقتصاد کشور افتاده و هر روز بنیه اقتصادی ما را ضعیف‌تر می‌سازد.

برنامه مالی دولت، بالا رفتن کسر بودجه در هر سال، کاهش بودجه‌های عمرانی و افزایش بودجه‌های جاری، وجود سازمانهایی معاف از نظارت‌های مالی دولت، ضعف عمومی کشور در جهت تولید، بالا رفتن سطح مصرف، نزول و افول درآمد ملی، حرکت مداوم به سوی وابستگی بیشتر اقتصادی، بی‌ارزش شدن پول کشور و سرعت شکننده تورم و بالاخره پدیده نامیمون رکود اقتصادی همزمان با تورم عواملی هستند که می‌توانند کشورهای را که دارای اقتصادی سالم هم بوده باشند به آسانی از پای درآورند. متأسفانه کلیه این بیماریها همراه با سوءمدیریت در امر توزیع و دولت‌سالاری در اقتصاد جمهوری اسلامی حاکم می‌باشند که اگر علاج سریعی برای آنان نیندیشیم نمی‌توان به سلامت و حتی حیات اقتصادی آینده کشور امیدوار بود.

۱۰) سیاست خارجی

در زمینه سیاست خارجی نهضت، مواضع اتخاذی و مراتب مندرج در قطعنامه کنگره پنجم و همچنین

مفاد نشریات سیاسی صادره طی سال گذشته مورد تایید می‌باشد. کنگره متأسف است که دولتهای غیرموقت جمهوری اسلامی ایران درک کافی نسبت به اهمیت و ظرافت مسئله سیاست خارجی خصوصاً با داعیه‌های بزرگ جهانی، نداشته تصور کرده‌اند که می‌توانند با ستیز و سرسختی و با شعار و ناسزا، بدون آشنایی و تسلط در فنون دیپلماسی و جهانشناسی گلیم خود را از دریای طوفانی نیرنگ و رقابت به در برده به ساحل نجات برسانند. آنجایی که کمتر از هر جای دیگر توجه به دانش، صلاحیت، سابقه، تقوی و تخصص می‌شود وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران و سفارتخانه‌های آن است. ابعاد فاجعه وقتی بیشتر روشن می‌گردد که توجه نماییم در زمان جنگ، دیپلماسی کشور، باید بیش از هر زمان دیگر فعال باشد تا بتواند از پیروزیهای کسب شده نظامی در جهت منافع ایران در صحنه بین‌المللی استفاده نماید. مخصوصاً وقتی یکی از اهداف اصلی نمایندگیهای خارجی دفاع از استقلال ایران و اعتدالی حیثیت و صدور انقلاب و اسلام در جهان باشد. همانطور که در قطعنامه کنگره قبلی نیز تذکر داده شده است عقل سلیم حکم می‌کند که به جای دفع و دشمنی، سیاست حفظ و جذب اتخاذ شود و حتی المقدور زمینه‌های همدردی و همکاری را جستجو نماییم نه آنکه پیش از ترمیم بنیه‌های اقتصادی و نظامی و فنی و فرهنگی خودمان و تدارک و آمادگی نیروهای دفاعی لازم به تحریک قدرتها بپردازیم. از نقاط ضعف و نیاز دیگران باید کسب اطلاع و استفاده نماییم نه آنکه نقاط قوت و دارایی آنها را علیه خودمان تحریک نماییم.

متأسفانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، همچنان از عدم انسجام و وجود تناقضات در عملکردهای مقامات رسمی و غیررسمی رنجور است و فاقد هماهنگی کافی میان معیارها و اصول مکتب، با اعمال مسئولان می‌باشد. مثلاً در حالی که ابتکار به مورد و به موقع طرح مسئله به‌کارگیری بمبهای شیمیایی توسط عراق در محافل بین‌المللی و جهانی به نفع ایران بود، ادعای اینکه ایران می‌تواند بمبهای شیمیایی ساخته و عنداللزوم مصرف خواهد نمود، اثر منفی کننده‌ای بر آثار ابتکار اولی داشته است.

ب) خط‌مشی

۱- ادامه رسالت تاریخی

کنگره ششم مانند کنگره پنجم از اعضای نهضت می‌خواهد فریضه اسلامی و رسالت ملی نهضت را که علاوه بر تبیین مبانی ایدئولوژیک تفهیم و تبلیغ و دفاع و اقدام برای تأمین آزادی، عدالت، حاکمیت ملی و وحدت در کشور است با صبر جمیل و تلاش وسیع همچنان ادامه دهند و نقش شاهد و واسط را در جمهوری اسلامی ایران با توکل به خدا ایفا نمایند. همچنین به عنوان یک گروه مسلمان ایرانی که خود را مدیون و موظف به خدمت به خلق و دفاع از حقوق ملت و استقلال مملکت می‌داند، در توسعه و تحکیم و تزکیه نهضت مجدانه فعالیت نمایند.

۲- وفاداری به نظام جمهوری اسلامی و رابطه با دولت و نهادها

خط مشی مصوب در کنگره پنجم در زمینه وفاداری به نظام جمهوری و رابطه با دولت و نهادها کماکان ثابت است.

۳- آینده‌نگری و آینده‌سازی

گنگره ششم مانند گنگره پنجم توصیه به عدم توقف در حال و وحشت از آنچه زور و زود است می‌نماید و علاقمند به دورنگری و آینده‌سازی می‌باشد. با پیش‌بینی اینکه با خاتمه یافتن دوران مجلس حاضر و تحولات جنگ و رویدادهای دیگر، ممکن است ادامه فعالیت خفیف فعلی دچار دگرگونیها شود، عقیده دارد که نهضت نه استعفا از حیات و حیثیت و مسئولیت خویش بدهد، نه انصراف از وفاداری و پایداری به اهداف انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی بنماید و نه تغییری در روش علنی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر خود قائل شود. بلکه بحول و قوه الهی و توکل به ذات حی لایموت بایستد، و آنچه را حق تشخیص می‌دهد، انجام دهد.

ربنا علیک توکلنا و الیک انبنا و الیک المصیر